

Critical Reading of the book:

Function and functionalism in Arabic rhetoric

Ali Qahramani *, Ali Mostafa Nejad**

Abstract

Critical analysis of different books, if in accordance with scientific principles, is a desirable and valuable activity. In the light of critical thinking and relying on scientific principles and foundations, growth and development will be achieved in various fields. Accordingly, the critical analysis of the book "Function and functionalism in Arabic rhetoric" by Alireza Mohammad Rezaei and Mehran Gholamalizadeh through close reading and adaptation to Jacobsen's theory and with the aim of providing a correct and useful critique in the light of cash and linguistic sources, Has been selected as the main issue of this research. Despite writing the book from the dissertation, this work has not benefited much from the advantages of being a dissertation and its professors and judges. The research findings show that the contents of the book are manifestations of Jacobsen's theory of linguistic communication in the Qur'an and some poetry and prose; Jacobsen himself is a great absentee of the form and content of the book. Although, the authors sought to present a new form of Arabic linguistic and rhetorical research; In practice and in adapting the examples to the theory, explanation and definition of different functions using reliable sources, they have acted in a rudimentary and superficial way and have not achieved much success.

Keywords: Verbal Communication; functionalism; Rhetoric; Jacobson; Critical Analysis.

* . Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Azerbaijan Shahid Madani University, Tabriz, Iran.

** . PhD Student in Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Azerbaijan Shahid Madani University (Corresponding Author), Tabriz, Iran. ali.mn23@yahoo.com

Date received: 2020-08-11, Date of acceptance: 2021-01-30

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

تقدنامه زبان و ادبیات عربی، شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی
دوفصلنامه علمی (مقاله پژوهشی)، سال دوم، شماره سوم، بهار و تابستان ۱۴۰۰، ۱۴۵-۱۶۷

خوانشی انتقادی از کتاب نقش و نقش‌گرایی در بلاغت عربی

علی قهرمانی*

علی مصطفی نژاد**

چکیده

تحلیل انتقادی کتاب‌های مختلف در صورت انطباق با اصول علمی، فعالیتی مطلوب و ارزشمند محسوب می‌شود. در پرتو اندیشه انتقادی و با تکیه بر اصول و مبانی علمی، رشد و بالندگی در عرصه‌های مختلف حاصل خواهد شد. بر این اساس، تحلیل انتقادی کتاب نقش و نقش‌گرایی در بلاغت عربی اثر علیرضا محمدرضایی و مهران غلامعلی‌زاده، از طریق قرائت تنگاتنگ و تطبیق با نظریه یاکوبسن و با هدف ارائه نقدی صحیح و سودمند در پرتو منابع نقدی و زبانی، به‌منزله مسئله اصلی این پژوهش انتخاب شده است. علی‌رغم تألیف کتاب از پایان‌نامه، این اثر از امتیازات پایان‌نامه بودن و استادان و داوران آن بهره‌چندانی نبرده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد مطالب کتاب، تجلیاتی از نظریه ارتباط زبانی یاکوبسن در قرآن و اندکی شعر و نثر است که خود یاکوبسن غایب بزرگ شکل و محتوای کتاب است. با وجود اینکه مؤلفان در پی ارائه شکلی نو در پژوهش‌های زبانی و بلاغی عربی بوده‌اند، در عمل و در تطبیق نمونه‌ها با نظریه، تبیین و تعریف کارکردهای مختلف با استفاده از منابع معتبر، به شکل ابتدایی و سطحی عمل کرده و به توفیق چندانی دست نیافته‌اند.

کلیدواژه‌ها: ارتباط کلامی، نقش‌گرایی، بلاغت، یاکوبسن، تحلیل انتقادی.

* دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران.

** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران ali.mn23@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۲۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۱۱

۱. مقدمه

در سال‌های اخیر، سوبیه تحقیق‌ها، پژوهش‌ها و پایان‌نامه‌های زبان و ادبیات در کشور ما، متأخر از کشورهای دیگر، تغییر آغاز کرده و گام در مسیر تازه‌ای نهاده است. از این حیث، پژوهش‌های زبان و ادبیات عربی نیز به سمت زبان‌شناسی، نقد ادبی، ادبیات تطبیقی، مطالعات فرهنگی و بین‌رشته‌ای می‌رود. کتاب *نقش و نقش‌گرایی در بلاغت عربی* هم که در این مجال، در پی خوانش انتقادی آن هستیم، در زمینه زبان‌شناسی و ارتباطات؛ یعنی کارکردهای زبانی در برقراری ارتباط به رشته تحریر درآمده است.

نوشتن، گفت‌وگو با دیگری است و نویسنده هنگام نوشتن، همواره کسی را مخاطب خود قرار می‌دهد (اسلامی، ۱۳۹۱، ص. ۱۷). اگر کسی قلم به دست می‌گیرد و اثری منتشر می‌کند، امیدوار است که نوشته‌اش خوانده شود، چراکه بی‌اعتنایی به نوشته هر نویسنده، در واقع بزرگ‌ترین توهین به اوست. از سوی دیگر، کسی که انتظار دارد اثرش خوانده شود، باید منطقاً احتمال بدهد که خواننده به‌دلیلی با مدعیات و دلایل او هم‌دلی نداشته باشد و با او دم‌ساز نشود. این‌جاست که ممکن است این مخالفت منعکس شود، که در این صورت، آن را نقد می‌نامیم. به همین سبب، از قدیم به‌درستی گفته‌اند که «مَنْ صَنَّفَ، اسْتَهْدَفَ»: (هر کس تصنیف کرد، خود را آماج قرار داد). به این ترتیب، می‌توان گفت که نوشتن، دعوت به نقد و نقد، پژواک نوشته است (همان، ص. ۲۲) و به قول سعدی: «متکلم را تا کسی عیب نگیرد، سخنش صلاح نپذیرد» (سعدی، ۱۳۴۸، ص. ۱۷۶).

مقاله - نقد^۱ نیز، قالب اطلاعاتی سودمندی است که با غنی‌سازی نگارش‌های انتقادی، اطلاعات وسیع‌تری در رابطه با حوزه‌ای علمی ارائه می‌دهد و می‌تواند نیاز اطلاعاتی متخصصان موضوعی را برای شناخت مبانی علمی حوزه‌های متعدد مطالعاتی پوشش دهد. مقاله - نقد دارای ویژگی‌ها، ساختار، کاربرد و سودمندی‌های خاص خود است و این قالب اطلاعاتی، برای ارتقای دانش مخاطبان به رشته تحریر در می‌آید. از سویی ویژگی‌های نقد معتبر را دارد و از سوی دیگر با ارائه چارچوب مقاله‌ای مدون، به‌منزله فقره اطلاعاتی ارزشمند در فضای اطلاعاتی ظاهر شده است (درودی، ۱۳۹۱، ص. ۱۴۱). در تحلیل متون، «خواه طرفدار نظریه مرگ مؤلف باشیم و خواه بکوشیم بر هر تعبیری از قدرت و صدای خاص نویسنده تأکید بگذاریم، در هر حال هنگام تحلیل ادبی

خوانشی انتقادی از کتاب نقش و نقش‌گرایی در بلاغت عربی ۱۴۷

می‌بایست توجه داشته باشیم که معانی متون ادبی، از برهم کنش تفسیرهای خوانندگان و متون نوشته‌شده توسط نویسندگان برمی‌آیند» (کوش، ۱۳۹۶، ص. ۴۶).

پژوهش‌های زبان‌شناسی جدید، محلی برای پژوهش‌های نحوی و بلاغی و به‌طور کلی زبانی است. نظریه ارتباطی یا کوبسن نیز به‌منزله یکی از مهم‌ترین نظریه‌های زبان‌شناسی جدید، برپایه این اعتبار بنا شده است که زبان شبکه‌ای از مفاهیم قائم بر کارکردهاست.

آنچه ادبیات نامیده می‌شود ناگزیر زبان هم هست. اگر هم ادبیات را ذاتاً تجاوز از زبان بدانیم، به هر حال باید بپذیریم که بیرون از زبان، ادبیاتی نیست. پس ادبیات همان زبان است به اضافه (یا منهای) چیز دیگر؛ و برای شناخت این چیز دیگر، ناچار باید نخست زبان را شناخت (سارتر، ۱۳۴۸، ص. ۳۱).

در پژوهش حاضر، برآنیم با خوانشی تنگاتنگ و انتقادی از کتاب نقش و نقش‌گرایی در بلاغت عربی و استناد به نظریه ارتباطی یا کوبسن، با استفاده از منابع معتبر و اصلی، به سوی تبیین نظریه ارتباط زبانی یا کوبسن، میزان مشابهت و انطباق آن با بلاغت، میزان تناسب عنوان کتاب با محتوا و نمونه‌های ارائه‌شده گام برداریم. «در تحلیل ادبی، شیوه تفسیر جزئیات زبانی را اصطلاحاً «قرائت تنگاتنگ» می‌نامیم. به‌رغم تغییر و تحولات فراوان در حوزه مطالعات ادبی، از اوایل قرن بیستم به این سو، قرائت تنگاتنگ پایه و اساس تحلیل متون ادبی بوده است» (کوش، ۱۳۹۶، ص. ۶۹). آیا به‌راستی این نوع قرائت تنگاتنگ برای تحلیل متون ادبی ضرورت دارد؟ در پاسخ باید گفت بله، مطلقاً ضروری است (همان، ص. ۷۱).

این مقاله - نقد کوش متواضعانه‌ای است به‌منظور بررسی مطالب مطرح‌شده در این کتاب، تطبیق آن با نظریه یا کوبسن و ارائه نقدی صحیح و سودمند در پرتو منابع نقدی و زبانی تا ضمن نمایاندن تصویری روشن از متن اثر، میزان تناسب بین مدعا و دلیل، صحت استنادها، موارد خلاف، وام‌گیری‌ها و ارجاعات را سنجش و بررسی کند و در راستای کمک به پدیدآوری اثری نوین و یاری نویسنده و خواننده، گام بردارد.

۲. پیشینه پژوهش

خلاف ادعای مؤلفان این کتاب، تاکنون پژوهش‌های زیادی به عربی و فارسی برای شناساندن و تطبیق نظریه ارتباط زبانی یاکوبسن انجام شده است که برای نمونه به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم: فاطمه صفورایی در سال ۱۳۹۳ در مؤسسه آموزش عالی بنت‌الهدای قم، پایان‌نامه‌ی خود را با عنوان *نقش‌های زبان در قرآن و کاربرد آن در آموزش زبان دفاع کرده* که در کتابی به همین نام منتشر شده است و به نظر می‌رسد در تدوین کتاب مورد بحث، از این اثر استفاده شده است. احمد متوکل آثاری در زمینه زبان‌شناسی نقش‌گرا دارد؛ از جمله: *الوظائف التداولیه فی اللغة العربیه و قضایا اللغة العربیه فی اللسانیات الوظيفیه* که در آن‌ها به تفصیل در مورد کارکردهای زبانی سخن گفته است. سلیم حمدان در سال ۲۰۰۸، در پایان‌نامه خود با عنوان *أشکال التواصل فی التراث البلاغی العربی* به بررسی مفهوم ارتباط و نحوه شکل‌گیری عناصر آن در بلاغت عربی اقدام کرده است. شیرزاده و همکاران، در مقاله‌ای با عنوان *العلاقة بین الوظيفة و البنية فی طريقة النظم، دراسة فی التقديم والتأخیر و النظم*، نقش‌های زبانی، دیدگاه جرجانی درباره نظم و ارتباط را مطرح کرده است. صالحی و ذاکری در مقاله‌ای با عنوان «بررسی مشابهت‌های علم معانی (به‌عنوان یکی از شاخه‌های بلاغت اسلامی) و نظریه ارتباط یاکوبسن با تکیه بر آیات قرآن کریم»، مشابه همین کتاب، هم‌پوشانی‌ها و مشابهت‌های موجود میان علم معانی و نظریه ارتباطی یاکوبسن را بررسی کرده‌اند. لاله جهاد نیز در مقاله «بررسی نظریه ارتباط کلامی یاکوبسن در علم معانی» به شکلی مطلوب به نحوه ارتباط، مشابهت و کاربرد ابواب علم معانی در نظریه نقش‌های زبانی پرداخته است.

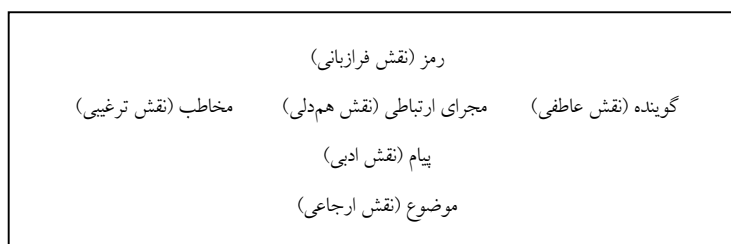
۳. نظریه ارتباط کلامی یاکوبسن

در کل عرصه‌های علمی و پژوهشی که یاکوبسن وارد آن‌ها شده، از زبان‌شناسی گرفته تا نشانه‌شناسی و ادبیات و جز آن، کم‌تر کتابی است که فصلی یا حتی زیرفصلی از آن، به طرح و توصیف آراء و نظریه‌های یاکوبسن و ترسیم‌نمایی هر چند اجمالی از شخصیت علمی و فرهنگی او اختصاص داده شده باشد (حق‌شناس، ۱۳۸۵، ص. ۸۵). همچنین، میان نظریه‌های گوناگونی که تاکنون درباره ارتباط ارائه شده‌اند، نظریه‌ای که رومن یاکوبسن درباره ارتباط کلامی پیش کشیده است، و شکل موجز بیان آن را می‌توان

خوانشی انتقادی از کتاب نقش و نقش‌گرایی در بلاغت عربی ۱۴۹

در مقاله «زبان‌شناسی و نظریه ادبی» او یافت، سودمندترین و کامل‌ترین بحث است (احمدی، ۱۳۹۷، ص. ۱۳۶).

برای روشن شدن مطلب و تدقیق در مطالب کتاب و داوری خوانندگان، نظریه ارتباط زبانی یاکوبسن را به اختصار می‌آوریم: براساس نظریه ارتباطی یاکوبسن، فرستنده پیامی را به گیرنده می‌فرستد. این پیام برای آنکه بتواند مؤثر باشد، باید به موضوعی یا به اصطلاحی کم‌وبیش مبهم، به مصداقی اشاره کند. موضوع باید برای گیرنده قابل درک باشد و به صورت کلامی یا در قالب کلام بیان شود. در این میان، رمزگانی نیز مورد نیاز است. باید برای فرستنده و گیرنده یا به عبارت دیگر برای رمزگذار و رمزگردان پیام، به‌طور کامل یا دست‌کم تا حدی، شناخته شده باشد و سرانجام به مجرای ارتباطی نیاز است؛ مجرای فیزیکی و پیوندی روانی میان فرستنده و گیرنده پیام که به هر دوی آنان امکان می‌دهد میان خود، ارتباطی کلامی برقرار کنند و آن را ادامه دهند. هر یک از این شش عامل (فرستنده، گیرنده، موضوع، پیام، مجرای ارتباطی و رمزگان) تعیین‌کننده نقش متفاوتی از زبان است. (یاکوبسن، ۱۳۹۴، صص. ۹۴-۹۵). یاکوبسن با توجه به عطف پیام به هر یک از این شش عامل، شش نقش مختلف برای زبان در نظر می‌گیرد (صفوی، ۱۳۹۴، صص. ۹۶-۱۰۲). این نقش‌های شش‌گانه به ترتیب عناصر ارتباطی عبارت‌اند از: ۱. عاطفی، ۲. ترغیبی، ۳. ارجاعی، ۴. فرازبانی، ۵. هم‌دلی، ۶. ادبی.



شکل ۱: تلفیق عناصر شش‌گانه ارتباط و نقش‌های زبان

هر یک از شش عنصر ارتباط، موجب کارکردی ویژه خویش است. البته اگر ما وجود این شش جنبه اصلی را در ارتباط و به‌ویژه ارتباط زبانی بپذیریم، آن‌گاه دشوار می‌توانیم پیامی بیابیم که صرفاً به یکی از این شش جنبه مرتبط شود (احمدی، ۱۳۷۰، ص. ۶۶).

هر رابطه در چارچوب این شش کارکرد، جای می‌گیرد و در پاره‌ای از رابطه‌ها، یکی از این کارکردها سلطه می‌یابد (همان).

۴. عنوان کتاب و بخش‌بندی

کتاب *نقش و نقش‌گرایی در بلاغت عربی* اثر محمدرضایی و غلامعلی‌زاده (۱۳۹۷) در انتشارات دانشگاه تهران، قطع وزیری و ۱۴۸ صفحه به چاپ رسیده است. شمارگان نوبت اول آن ۲۰۰ نسخه و چاپ آن به صورت سیاه و سفید است. شماره کتاب‌شناسی ملی اثر ۵۲۰۵۰۳۱ و قیمت آن ۲۰۰ هزار ریال درج شده است. عنوان کتاب و نام نویسندگان در روی جلد به فارسی و پشت جلد، به انگلیسی درج شده است. نکته قابل توجه، ترجمه انگلیسی عنوان کتاب است که احتمالاً به صورت نرم‌افزاری و تحت‌اللفظی (Roles and Role Oriented in the Arabic Applicable) ترجمه شده است که ترجمه اصطلاحی و معادل آن «Function and functionalism in Arabic rhetoric» است. نشان دانشگاه تهران در روی جلد، در قسمت بالا و گوشه چپ و در پشت جلد، گوشه راست قرار گرفته است. در معرفی محمد رضایی در روی جلد و داخل پراکنش آمده عضو هیئت علمی پردیس فارابی دانشگاه تهران، ولی در صفحه اول داخل کتاب، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران درج شده است. غلامعلی‌زاده هم در روی جلد معرفی نشده، ولی داخل کتاب، دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی قید شده است. در صفحه دوم، مشخصات کامل کتاب بر مبنای ضوابط و استانداردهای بین‌المللی فیپا (فهرست‌نویسی پیش از انتشار) ارائه شده است. صفحه سوم شامل فهرست مطالب است که حاوی مقدمه، و شش فصل و نتیجه‌گیری است. با توجه به اینکه کتاب، مأخوذ از پایان‌نامه بوده که مالکیتش در اختیار دانشگاه است، شایسته بود در ابتدای کتاب، مطابق قوانین نشر دانشگاه تهران به این مسئله اشاره می‌شد.

۵. بررسی شکلی

با توجه به اهمیت محتوای کتاب برای خواننده و نقش آن در آموزش، علی‌رغم وجود خطاهای تایپی، نگارشی و ویرایشی در متن کتاب، تمرکز اصلی این پژوهش بر محتوای اثر بوده و از پرداختن بر خطاهای شکلی پرهیز و تنها به ذکر چند نمونه بسنده شده است:

خوانشی انتقادی از کتاب نقش و نقش‌گرایی در بلاغت عربی ۱۵۱

در فصل ششم در مقدمه بخش «کارکرد نقش ارجاعی در قرآن کریم، شعر و نثر» آمده است: «أنت نجهت فی الإمتحان» که صحیح آن، «نَجَحْتَ» است. در صفحه ۵۷، چند مثال آمده، از جمله: «قَالَتْ يَا وَيْلَتَى أَلِدُ وَأَنَا عَجُوزٌ وَهَذَا بَعْلِي شَيْخًا إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ * قَالُوا أَعْجِبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ رَحِمَتُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ» (هود: ۷۲-۷۳).

در آیه ۷۲، کلمه «عَجِبْتُ» افتاده که صحیح آن، «لَشَيْءٌ عَجِيبٌ» است و در پایان آیه ۷۳ نیز «إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ» را ننوشته‌اند؛ در حالی که ترجمه آن را به‌طور کامل آورده‌اند. در صفحه ۱۰۸ نوشته‌اند: «بعد از رومن یا کوبسن، زبان‌شناس دیگری به نام «دیل هیمس» پا به این عرصه گذاشته و با بررسی زبان، الگوی جدیدی را مطرح کرد که به نام وی یعنی الگوی هیمس معروف است».

از ترجمه سطحی کلمه با تلفظ عربی «دیل هیمس» می‌توان فهمید که نویسندگان از متن عربی، ترجمه کرده‌اند، زیرا نام وی «دِل هایمز» است. که «بیشتر به بررسی زبان با ارتباط قوم‌نگارانه می‌پردازد. وی معتقد بود که زبان نباید جدا از اجتماع و در انزوای مورد بررسی قرار گیرد» (پیش‌قدم و فیروزیان، ۱۳۹۶، ص. ۱۲).

۶. نقد و بررسی محتوایی

۶-۱. میزان تناسب عنوان کتاب با محتوا

یکی از معیارهای مهم و نکته‌های کلیدی در نقد منابع اطلاعاتی، مشخص کردن میزان ارتباط میان عنوان کتاب با مطالب و مباحث ارائه‌شده است. «عنوان کتاب در جذب مخاطب و نفوذ در دنیای نشر، نقشی بی‌بدیل ایفا می‌کند. همچنان که نگارش سرخط روزنامه‌ها، خود نوعی فعالیت تخصصی است که موجب توجه و جذب مخاطب می‌شود» (درودی، ۱۳۸۷، ص. ۱۷۷).

عنوان کتاب «نقش و نقش‌گرایی در بلاغت عربی»، عنوانی بسیار کلی و مبهم به‌نظر می‌رسد. در ابتدا اولین چیزی که به ذهن می‌رسد نقش دستوری است، ولی درحقیقت منظور از نقش، نقش‌های زبانی یا کارکردی است که یک عنصر پیام، در برقراری ارتباط ایفا می‌کند. با اینکه تمامی مطالب و مباحث این کتاب برپایه نظریه یا کوبسن انجام شده، ولی نامی از او در عنوان کتاب به چشم نمی‌خورد. همچنین، از آن‌جا که نقش‌گرایان

دیگری پیش‌تر و غیر از یاکوبسن از جمله هلیدی، بوهرلر، عبدالقاهر جرجانی و دیگران، آرا و نظراتی در این زمینه داشته‌اند، چنین عنوانی، مخاطب را به تردید و اشتباه می‌کشانند. اطلاق «بلاغت عربی» و عنوانی با چنین عمومیت و گستردگی، دور از دسترس و ظرفیت کتابی با این حجم و مختصات است و به نظر می‌رسد بیشتر جنبه تبلیغاتی داشته و برای جلب توجه به کار رفته است. «درباره کتاب‌های علمی، باید اظهار داشت که نویسنده کم‌تر به این روش تکیه می‌کند، زیرا اعتبار علمی خود را با انتخاب نابجا کم‌رنگ می‌سازد» (همان، ص. ۱۷۸).

در بررسی آماری شاهد مثال‌ها و نمونه‌های کتاب، می‌بینیم بیشتر آن‌ها از قرآن (۱۰۰ نمونه) و کم‌تر از شعر و نثر (۵۰ نمونه) است و تمرکز نویسندگان، بیشتر روی قرآن بوده است که عدم تناسب عنوان با محتوا را به ذهن متبادر می‌کند؛ لذا عنوان کتاب، به جای «در بلاغت عربی» باید «در قرآن» می‌شد.

همچنین باید گفت از میان علوم بلاغی، علم معانی بیش از بقیه، با زبان عادی مردم ارتباط دارد و مختص زبان ادبی نیست؛ همان‌گونه که علم بیان نیز مختص زبان ادبی نیست (شعبانلو، ۱۳۹۷، ص. ۱۷۱). بنابراین، یکی از عیب‌های کتاب، حضور شواهد کمی از بخش معانی است. از آنجا که علم معانی، علم مطابقت کلام با احوال مخاطب (گیرنده پیام) است، ارتباط بالایی بین علم معانی و نظریه ارتباطی یاکوبسن وجود دارد.

۶-۲. میزان تناسب مدعا و دلیل

در مقدمه کتاب آمده است: «از جنبه کاربردی بلاغت در حوزه ارتباط پرده برداریم»، که ادعای بزرگی است، به این معنی که فقط نویسندگان، این مهم را برملا کرده‌اند و همین، متناقض با جمله‌ای است که در پایان مقدمه آمده است که تأیید می‌کند بلاغت، این کارکرد را داشته و نویسندگان این کتاب، آن را پرده‌برداری نکرده‌اند: «علم بلاغت چنانچه از نامش پیداست، کارکردی پیام‌رسانی دارد» (مقدمه، «س»).

در پاراگراف دوم مقدمه آمده است: «ارائه الگویی برای افزایش دادن قدرت ادراکی و تحلیل و بالا بردن سطح مهارت‌های فنی پژوهشگران و دانش‌پژوهان بین‌رشته‌ای، از جمله اهداف نگارش چنین کتاب‌هایی است».

اولاً ادعای ارائه‌الگو، ادعای قابل تأملی است، زیرا اگر الگویی هم ارائه شده، از جانب یاکوبسن بوده و نویسندگان این کتاب، تطبیق آن را در بعضی از شاهد مثال‌های بلاغی انجام داده‌اند. «بالا بردن سطح مهارت‌های فنی پژوهشگران» هم کار آسانی نیست که با پیدا کردن مشابهت‌های یک نظریه، با نمونه‌هایی از علم بلاغت به وجود آید. وانگهی، این پژوهش‌ها بین کدام رشته‌ها مورد بررسی قرار گرفته که عبارت بین‌رشته‌ای درج شده است؟ همه این مطالب، جزو مسائل زبانی است که در زیر عنوان زبان‌شناسی مورد بررسی و مطالعه قرار می‌گیرند.

۳-۶. بررسی ارجاعات

۳-۶-۱. ارجاع به منابع فرعی

در صفحه «ز» مقدمه، در توضیح نقش‌های ارتباطی فقط یک ارجاع، آن هم برای نقش ادبی وجود دارد که مربوط به «هالیدی» است؛ در حالی که نظریه‌ها را خود یاکوبسن در مقالاتش توضیح داده، لذا برای تبیین و توضیح نقش و کارکردها می‌بایست از آثار وی استفاده می‌شد.

در فصل چهارم نیز که با عنوان «نقش ادبی زبان» است (صص. ۷۳ - ۸۹)، به جای تعریف هر کدام از کارکردها از دید یاکوبسن، آن را از نگاه دیگران و یا خود، تعریف کرده‌اند. مانند همین نقش ادبی، که چند سطر به «گیرو» و چند پاراگراف به مقالات ایرانی ارجاع داده‌اند.

۳-۶-۲. عدم ارجاع ابیات و عبارات

در فصل اول (ص. ۱۵) این جمله آمده: «أستعد بالله من شرار الناس» و نوشته شده است: «گوینده مخاطب را سوق می‌دهد به اینکه بهترین پناهگاه خداست و ...» که ارجاعی موجود نیست. این جمله همان‌طور که در کتاب *العقد الفريد* آمده، از وصایای لقمان است به پسرش (ابن عبد ربه، ۱۴۰۴ق، ص. ۹۶).

در فصل دوم (ص. ۴۹) نوشته‌اند: «إن الكريم ابن الكريم ابن الكريم يوسف بن يعقوب بن إسحاق بن إبراهيم» که ارجاعی نداده‌اند. این سخن، حدیث پیامبر اکرم (ص)

در مورد حضرت یعقوب و یوسف (ع) است (قمی، ۱۳۶۷، ص. ۲۷۰) که در این کتاب، «این» در اول آن زائد است. در فصل سوم (ص. ۵۷) چنین نتیجه‌گیری شده است:

«به طور کلی با توجه به نظریه‌های مختلفی که در رابطه با هم‌دلی مطرح کردیم، ... باید گفت: مهارت هم‌دلی، یعنی اینکه فرد بتواند زندگی دیگران را (حتی زمانی که در آن شرایط قرار ندارد) درک کند؛ ... هم‌دلی روابط اجتماعی را بهبود می‌بخشد ... و سبب می‌شود تا سطح آگاهی‌های اجتماعی در جامعه افزایش پیدا کند.

کل پاراگراف، به‌منزله نتیجه این بخش، طبیعتاً می‌بایست از قول نویسندگان مطرح می‌شد که با توجه به عدم ارجاع نیز، علی‌الظاهر چنین است. ولی در بررسی، به این نتیجه رسیدیم این مطلب برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علوم تربیتی است که یک مقاله از آن نیز در نشریه زن در جامعه منتشر شده است (محمدجانی، ۱۳۹۰، ص. ۳۷).

۳-۳-۳. ارجاع ابیات به غیر

در متن کتاب، ابیات زیادی به چشم می‌خورد که به سبب اخذ از کتاب *جواهرالبلاغه* به احمد الهاشمی ارجاع داده شده؛ در حالی که شاعر آن‌ها، افراد دیگری بوده‌اند. برای نمونه در صفحه ۱۸ آمده: «وَكَيْفَ أَخَافُ الْفَقْرَ أَوْ أَحْرَمَ الْغِنَى / وَرَأَى أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ جَمِيلٌ» که شاعر بیت، اسحاق بن ابراهیم موصلی است (الشافعی، ۲۰۰۱، ص. ۳۱۰) یا در صفحه ۷۹: «إِنَّ الْقُلُوبَ إِذَا تَنَافَرَتْ وَدَّهَا / مِثْلَ الزُّجَاجَةِ كَسْرَهَا لَا يُجْبَرُ»، که در بررسی، به انتساباتی به امام علی (ع) برخوردیم. یک منبع نیز، آن را به صالح بن عبدالقدوس نسبت داده است (محفوظ، ۱۹۷۹، ص. ۱۳۸).

در فصل پنجم نیز بیتی را آورده و به ثعالبی ارجاع داده‌اند که شعر منسوب به امام علی (ع) است: «إِنَّمَا الدُّنْيَا فَنَاءٌ لَيْسَ لِلدُّنْيَا ثُبُوتٌ / إِنَّمَا الدُّنْيَا كَيْبَتْ نَسَجَتْهُ الْعَنْكَبُوتُ» (میدی، ۱۴۱۱ق، ص. ۱۱۶).

۳-۳-۴. ارجاع بلامحل

در پاراگراف سوم مقدمه، نام کتاب *نظریه زبانی* آورده شده که منتسب به یاکوبسن است. ما در بررسی آثار و کتاب‌های یاکوبسن، چنین کتابی را به این نام مشاهده نکردیم. به فرض وجود نیز، بهتر بود از ترجمه فارسی آن استفاده می‌شد نه اینکه ترجمه عربی، بعد فارسی.

خوانشی انتقادی از کتاب نقش و نقش‌گرایی در بلاغت عربی ۱۵۵

در صفحه «ذ» مقدمه، «زبان‌شناسی و شعرشناسی» به‌عنوان مقالهٔ یاکوبسن ذکر شده که این دقیقاً نقض گفتهٔ قبلی است. در ادامه ذکر شده که «فاطمة الطبال»، این کتاب یاکوبسن را به عربی ترجمه کرده است. نام کامل وی «فاطمه الطبال برکة» است که در بخش منابع هم به‌صورت ناقص ذکر شده است و به نظر می‌رسد مؤلفان از منابع باواسطه استفاده کرده‌اند. «الطبال» در کتابش که عنوان کامل آن *النظرية الألسنية عند رومان جاکوبسون، دراسة و نصوص* است؛ مبانی نظریات زبان‌شناسی یاکوبسن را بررسی کرده است.

۶-۳-۵. عدم رعایت امانت در ارجاعات

مؤلفان در ابتدای فصل چهارم، مطلبی را آورده و کل پاراگراف را به «طالبیان و سروری» ارجاع داده‌اند:

این نقش با استفاده از الگوهای آوایی، آرایه‌های بدیع و بیان، بر جنبهٔ زیبایی‌شناسی زبان می‌افزاید و توجه خواننده را به خود اثر جلب می‌کند. الگوهای آوایی و بیانی عملکرد شاعرانهٔ زبان، رابطهٔ معمول میان نشانه و مصداق را به هم می‌زند و برخلاف زبان ارتباطی، که در آن مصداق، ارزش دارد، در این عملکرد زبانی، نشانه به‌عنوان موضوعی استقلال می‌یابد که به خودی خود دارای ارزش است (طالبیان و سروری ۱۳۸۷، ص. ۱۱۷).

در بررسی منبع اطلاعاتی، مشاهده می‌کنیم از عبارت «عملکرد شاعرانهٔ زبان» تا انتهای پاراگراف، از مقالهٔ مربوطه اخذ شده، ولی جملات قبل از آن، نظر نویسندگان این کتاب است؛ یعنی نظر نویسندگان نیز به آن مقاله ارجاع داده شده است. در صفحهٔ ۷۸، این پاراگراف را می‌خوانیم:

یکی از بزرگ‌ترین اموری که اسلام در یکی از دو رکن «حقوق‌الناس» و «حقوق‌الله» مورد اهتمام قرار داده و به طرق و انجای گوناگون، مردم را به آن وادار می‌سازد، انفاق است. پاره‌ای از انفاقات از قبیل زکات، خمس، کفارات مالی و اقسام فدیة را واجب نموده و پاره‌ای از صدقات و اموری از قبیل: وقف، سکنی دادن مادام‌العمر کسی، وصیت‌ها، بخشش‌ها و غیر آن را مستحب نموده است.

مؤلفان تمامی این مطالب را به سه سطر از گفته‌های خود، ضمیمه کرده و ارجاعی نداده‌اند. در حالی که تمامی مطالب فوق عیناً از ترجمه تفسیر المیزان (طباطبایی، ۱۳۹۲، ص. ۵۸۷) برداشته شده است.

در منابع پایانی می‌بینیم از دو منبع از شفیعی کدکنی (صور خیال در شعر فارسی و موسیقی شعر) استفاده شده که علاوه بر اینکه سال انتشار کتاب صور خیال نیامده، در ارجاع داخل متنی نیز تنها به «شفیعی کدکنی، ۱۰۸-۱۰۹» بسنده شده است. در حالی که معلوم نیست به کدام کتاب وی ارجاع داده شده است؛ و ما در بررسی این منبع اطلاعاتی دریافتیم که به کتاب صور خیال در شعر فارسی، ارجاع داده شده است. شفیعی کدکنی (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۵، ص. ۱۳۹) در پاورقی این پاراگراف نوشته: «زیات، دفاع عن البلاغة، ۱۳۲، به نقل از بدوی طبانه در البیان، ۱۷۶» یعنی منبعی که خود شفیعی با واسطه برداشته و به آن ارجاع داده است، نویسندگان این کتاب با افزودن یک سطر از گفته‌های خود، به شفیعی ارجاع داده‌اند، که جای تأمل دارد.

۷. انحراف از موضوع و سوق کلام به سوی مفهوم دلخواه

در فصل اول، به تعریف نقش ترغیبی از زبان یاکوبسن اشاره شده، ولی در صفحات بعدی، رفتن به معنای لغوی و اصطلاحی ترغیب و یا نقش تشویق در ایجاد انگیزه، پرداختن به انواع تشویق، تشویق‌های مادی و معنوی، که چندین صفحه از کتاب را شامل شده، صرفاً انحراف از معنای اصلی نقش ترغیبی — که به طور واضح گفته شده — و نوعی بدفهمی و بردن معنا به سوی معنای دلخواه است.

تفسیر من عندی در ادبیات یا وارد کردن معانی دلخواهانه به متون ادبی هنگام تحلیلشان، آن مجازاتی را به دنبال ندارد که تفسیر خودسرانه متون دینی در پی دارد. با این حال در تحلیل ادبی نیز مجاز نیستیم متن را هر طور که خودمان می‌خواهیم، تفسیر کنیم (کوش، ۱۳۹۶، ص. ۴۹).

مطابق تعریف نقش ترغیبی، باید در این نقش یا به دنبال فعل امر، نهی، دعا و ندا بود که جهتشان به سوی مخاطب است و یا در پی جمله‌ها یا ابیاتی که معنای طلبی می‌دهند، بدین سبب که گاهی، از جملات خبری نیز معنای طلبی اراده می‌شود. همچنین، با توجه به اینکه در نقش ترغیبی، جهت‌گیری پیام به سمت شنونده و مخاطب است و در آن، از

خوانشی انتقادی از کتاب نقش و نقش‌گرایی در بلاغت عربی ۱۵۷

جمله‌های امری، نهی و دعایی استفاده می‌شود که نوعی انشای طلبی هستند، می‌بایست نویسندگان مطالبی درخصوص انشا در بلاغت، علم معانی و انواع آن ذکر می‌کردند و شواهدی برای هر کدام از آن‌ها می‌آوردند.

در پاراگراف اول صفحه ۱۰۸ مطلبی از فرکلاف در تأیید نقش ارجاعی زبان آمده است:

فرکلاف نیز از این نقش توصیفی زبان یاد می‌کند و معتقد است که «در این بخش، متن بر اساس مشخصه‌های زبان‌شناختی اعم از آواشناسی، واج‌شناسی، نحو، ساخت واژه یا صرف و معناشناسی و تا حدودی کاربردشناسی مورد توصیف و تحلیل قرار می‌گیرد».

در بررسی منبع می‌بینیم که این نظر فرکلاف در مورد کارکرد ارجاعی نبوده، بلکه درخصوص تحلیل گفتمان انتقادی است که دارای سه سطح تحلیل است: سطح توصیف، سطح تفسیر و سطح تبیین. پس این سه سطح برای این نوع تحلیل گفتمان، قابل تشخیص است (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۶، ص. ۱۹).

در ادامه بحث (ص. ۱۰۹)، انحراف از موضوع اصلی (کارکرد ارجاعی زبان)، ادامه می‌یابد و چون این نقش، حالت توصیفی نیز دارد، بحث به سمت هر چه توصیف است، کشانده می‌شود:

تحلیل‌گر این نقش زبانی نیز در تحلیل خود به دنبال پاسخ پرسش‌های زیر است: کلمات واجد کدام ارزش‌های رابطه‌ای هستند؟/ کلمات واجد کدام ارزش‌های بیانی هستند؟/ جملات معلوم هستند یا مجهول؟/ جملات مثبت هستند یا منفی؟/ فعل‌های استفاده شده بیشتر به کدام زمان تعلق دارند (گذشته، حال و یا آینده)؟

نورمن فرکلاف مقالات و کتاب‌هایی درباره تحلیل انتقادی گفتمان دارد. جمله‌های پرسشی فوق در این کتاب، جمله‌هایی گزینشی از کتاب *تحلیل انتقادی گفتمان* است. او این جمله‌ها و بسیاری دیگر را به صورت مفصل، به منزله الگوی تحلیل متن معرفی می‌کند (فرکلاف، ۱۳۷۹، صص. ۱۶۱-۱۷۱).

۸. آشفتگی و عدم انسجام

در صفحه «س» مقدمه، چند سطر توضیح آمده که پررنگ شده است و موارد نامفهوم و قابل تأملی دارد:

جنبه‌های مجهول و مبهم این بحث آن است که بلاغت تاکنون با رویکرد زبان‌شناسی نقش‌گرا ارزیابی نشده است. در این اثر برآنیم که اسلوب‌های بلاغی را از زاویه تمامی حوزه‌های نقش‌گرایی که به حوزه زبان‌شناسی معاصر مربوط است، بررسی و دسته‌بندی کنیم.

آیا ارزیابی نشدن بلاغت، جنبه مجهول و مبهم است؟ اگر هست، جنبه مبهم چه چیزی است؟ همچنین، ضروری بود اسلوب و اسلوب بلاغی را تعریف می‌کردند. استفاده از کلمه «حوزه» دوبار پشت سر هم، ادیبانه و تخصصی نیست. در صفحه «د» مقدمه آمده است:

شاید برخی بر این باور بودند که تنها کاربرد زبان، برقرار کردن ارتباط بین دو یا چند فرد باشد. اما این ارتباط تنها کاربرد نیست، بلکه از نظر زبان‌شناس معروف، رومن یاکوبسن «از مهم‌ترین و اولین وظایف زبان، ایجاد ارتباط است» (یاکوبسن، ۱۹۹۳، ۴۷) که این ارتباط به دو شکل شفاهی یا نوشتار ایجاد می‌شود.

سطر دوم، دقیقاً تأیید سطر اول است، در صورتی که برای مخالفت با سطر اول آورده شده است. در سطر سوم نیز (شفاهی یا نوشتار)، شفاهی در مقابل کتبی و نوشتار در مقابل گفتار است که در اینجا، به‌جا استفاده نشده است.

در تقسیم‌بندی بخش «نقش ترغیبی زبان در قرآن کریم، شعر و نثر» (صص. ۱۱-۲۷)، عنوان چند بخش را آورده‌اند که اولاً شماره‌گذاری نشده و پیدا کردن عنوان‌ها و اینکه مربوط به کجا هستند، کمی سخت است. از سوی دیگر، از آن‌جا که این پژوهش بر روی بلاغت انجام شده، بهتر بود تقسیم‌بندی بخش‌ها براساس تقسیم کتاب‌های بلاغی انجام می‌شد. به این معنی که مؤلفان بخش‌هایی از کتب بلاغی مربوط به این مبحث را می‌آوردند و تطبیق می‌دادند.

در بلاغت، کلام به خیر و انشا تقسیم شده است که اغراضی غیر از معنای اصلی هم دارند (الهاشمی، ۱۹۹۹، ص. ۵۵) و آن اغراض را می‌توان در بعضی از کارکردهای زبانی تطبیق داد، که چنین عملی را در این کتاب نمی‌بینیم. انشا نیز به طلبی و غیرطلبی و انشای طلبی به پنج بخش: امر، نهی، استفهام، تمنی و ندا تقسیم شده است (همان، ص. ۷۰) که می‌توان تقریباً تمامی زیرگروه‌های انشای طلبی را در نقش ترغیبی، بررسی کرد و با آن تطبیق داد، زیرا در آن‌ها جهت پیام به سمت مخاطب (گیرنده) است.

صیغه امر، نهی، استفهام و ندا گاهی از معنای اصلی‌اش خارج شده و در اغراض دیگری به کار می‌رود که از روی قرینه‌ها و سیاق کلام، به آن معانی پی می‌بریم. همچنین، «گاهی خبر هم در موضع انشا و یا برعکس می‌آید» (همان، ص. ۹۲) که در این صورت هم، نقش ترغیبی زبان قابل بررسی است.

۹. ناسازگاری نظریه و متن

در فصل دوم (ص. ۳۰) آمده: «یاکوبسن معتقد است که نقش صرفاً عاطفی زبان در حروف ندا نمود می‌یابد، مانند ای وای، یا حتی اصواتی نظیر نچ و جز آن» (صفوی، ۱۳۸۳، ص. ۲۶۳). همان‌طور که قبلاً گفته شد، آنچه در حروف ندا نمود پیدا می‌کند، مطابق نظریه یاکوبسن، نقش ترغیبی است (یاکوبسن، ۱۳۹۴، ص. ۹۶) و به نظر می‌رسد اشتباهی صورت گرفته است، چون طبق تعریف نقش عاطفی، «نقش صرفاً عاطفی زبان در عبارات تعجبی تجلی می‌یابد» (همان، ص. ۹۶). در ادامه همین مطلب آمده است: «این نقش، نخستین بار توسط مارتینه مطرح شد». ولی وی نخستین بار نقش عاطفی را مطرح نکرده، بلکه مطابق قول یاکوبسن «اصطلاح پیشنهادی مارتینه، یعنی عاطفی بر احساسی ارجح است» (همان، ص. ۹۶).

در بخش «کارکرد اسلوب استفهام در هم‌دلی» فصل سوم، دو بیت از قصیده احمد شوقی آمده است: «إِلَامَ الْخُلْفِ بَيْنَكُمْ إِيْلَامًا / وَ هَذِي الضَّجَّةُ الْكُبْرَى عَلَامًا / وَ فِيمَ يَكِيدُ بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ / وَ تَبْدُونَ الْعَدَاوَةَ وَ الْخِصَامًا».

همان‌طور که معلوم است، جهت پیام به سمت مخاطب (گیرنده) است. در واقع، شوقی مخاطب را از اختلاف، دشمنی و کینه‌توزی نهی و آن‌ها را به اتحاد ملی دعوت می‌کند (بن عیاد الثبیتی، ۲۰۱۰، ص. ۱۱۱).

بخش اول فصل چهارم، با عنوان «کارکرد نقش ادبی زبان در تشبیه» (ص. ۷۵) است. کارکرد، در اینجا به معنی نقش است و هم‌آیی آن‌ها، توجیهی ندارد. مثال‌های این بخش، بیشتر از آنکه به نحوه شکل‌گیری کارکرد ادبی زبان در (فرستنده، گیرنده و پیام) پردازند، با استفاده از کتب تفسیری، به نوع تشبیه و نحوه آن پرداخته‌اند. باید بگوییم در تشبیه نیز پیامی از متلکم یا فرستنده به مخاطب و گیرنده ارسال می‌شود و گیرنده باید وجه شبه را بشناسد تا ارتباط به‌طور صحیح برقرار شود؛ وجه شبه نیز گاهی مذکور است و گاهی

مخفی. جرجانی سه وجه را برای متلقی وجه شبه، جهت درک، متصور می‌شود: «یا قریب- المأخذ و سهل الوصول است و به آسانی دریافت می‌شود؛ یا مقداری نیاز به تأمل دارد؛ و یا دقت، وسعت دید و عمق فکری بیشتری را می‌طلبد» (جرجانی، ۱۹۹۱، ص. ۹۳). در بخش «کارکرد نقش ادبی زبان در مجاز» (ص. ۷۹)، در تعریف مجاز و کارکرد ارتباطی آن، جای مطالبی خالی است که لازم است به آن‌ها اشاره کنیم: علمای بلاغت در مجاز، ذکر قرینه‌ای را دال بر عدم اراده معنای حقیقی مشروط کرده‌اند؛ و مجاز را این‌گونه تعریف می‌کنند: «الكلمة المستعملة في غير ما وضعت له، في اصطلاح به التخاطب علی وجه یصح مع قرینه عدم إرادته» (تفتازانی، ۱۹۷۱، ص. ۵۷۲). پس متکلم، قرینه را برای متلقی، ذکر می‌کند تا متلقی یا گیرنده، منظور گوینده را بفهمد. برای اینکه اگر قرینه‌ای نباشد، قطعاً گیرنده، کلام را به صورت حقیقی‌اش و خلاف قصد گوینده دریافت خواهد کرد و در نتیجه ارتباط، قطع خواهد شد. لذا پی می‌بریم که همین قرینه، نقش ارتباطی را میان متکلم و متلقی بازی می‌کند. به همین سبب، بلاغیون گفته‌اند که قرینه باید نزد گیرنده یا مخاطب نیز واضح باشد. در این پژوهش انتظار تحریر چنین مطالبی می‌رفت، تا نقش مجاز در ارتباط و نظریه ارتباط زبانی واضح شود و صرفاً آوردن مثال، کاری شاید نیمه‌علمی باشد. در حالی که در هیچ‌یک از مثال‌های مجاز، صحبتی از قرینه به میان نیامده است.

بخش دیگر فصل چهارم، «استعاره» است که تنها به تعریف استعاره و فایده آن بسنده شده و به نحوه ایفای کارکرد ارتباطی در استعاره پرداخته نشده است. اینکه استعاره به چه نحوی در نظریه ارتباطی مطرح می‌شود و در کدام کارکردها می‌توانیم آن را مشاهده کنیم، موضوع اصلی این کتاب است که متأسفانه بدان پرداخته نشده است. با نگاهی به کتاب‌های بلاغی، درمی‌یابیم از آن جهت که استعاره، تأمل و تحرک گیرنده و مخاطب را به وسیله زیبایی که می‌آفریند برمی‌انگیزد، کارکرد شعری یا ادبی زبان را محقق می‌کند. (برای آگاهی بیشتر، نک: جرجانی، ۱۹۹۱، صص. ۳۰-۴۴).

۱۰. انتخاب شواهد نادرست

در فصل سوم در بخش «کارکرد همدلانه زبان در قرآن کریم، شعر و نثر»، این آیه آمده است: «إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ» (شعرا: ۱۰۷). در این آیه شاهدی برای اطمینان از ارتباط یا

خوانشی انتقادی از کتاب نقش و نقش‌گرایی در بلاغت عربی ۱۶۱

ادامه و یا قطع آن، یعنی نقش هم‌دلی نمی‌بینیم. اما با توجه به اینکه «جهت‌گیری پیام به سمت موضوع است و جملات اخباری هم معمولاً از این نقش برخوردارند و قابل صدق و کذب هستند» (صفوی، ۱۳۹۰، ص. ۲)، نقش ارجاعی، بیشتر با پیام سازگاری دارد. در صفحه ۸۲ (کارکرد نقش ادبی زبان در استعاره) پنج مثال ذکر شده است که بیشتر، تبیین و توضیح استعاره و یا نقش‌های زبانی، غیر از نقش ادبی زبان را می‌بینیم. در مثال دوم با آوردن آیه ۲۱ سوره آل عمران «... فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ» توضیحات این گونه خاتمه می‌یابد:

کلمه بشارت که در آیه، استعاره از کلمه «انذار» آورده شده است؛ نیز میزان و شدت خشم و استهزا و تهدید خداوند نسبت به کافران را به تصویر کشیده و در بردارنده نقش عاطفی زبان است.

مؤلفان در پایان به این نتیجه رسیده‌اند که این مثال در بردارنده نقش عاطفی است و صحبتی از نقش ادبی نکرده‌اند.

در مثال سوم (ص. ۸۱)، این عبارت آمده است که ارجاعی دیده نمی‌شود: «يَا مَنْ أَيَادِيهِ عِنْدِي لِأُحْصِي» که از دعای عرفه برداشته شده است (قمی، ۱۳۸۶، ص. ۳۷۰). در ذیل آن می‌خوانیم: «اینکه گوینده به این طریق باور و اعتقادش را مجسم ساخته و آنچه را که نسبت به آن اهمیت ویژه‌ای قائل بوده بر دیگری ترجیح داده، گویای نقش عاطفی زبان است». در نهایت به این نتیجه رسیده‌اند که این مثال، بیانگر نقش عاطفی زبان است، در حالی که مثال را برای نقش ادبی آورده‌اند.

۱۱. بدفهمی نظریه یا کوبسن

در صفحه ۹۱ آمده است: «نقش ادبی و فرازبانی (رمزی) که یاکوبسن به آن‌ها اشاره دارد، دارای مشترکاتی هستند که این دو نقش را بسیار به هم نزدیک کرده است». در حالی که با توجه به نظریه یاکوبسن، نزدیکی را میان نقش ارجاعی و فرازبانی بیشتر می‌بینیم. او می‌گوید: «وقتی فرستنده یا گوینده نیاز داشته باشد تا از مشترک بودن رمزگانشان اطمینان حاصل کند، گفتار به سمت رمزگان جهت می‌گیرد و نقش فرازبانی (یعنی درون‌زبانی) خواهد داشت» (یاکوبسن، ۱۳۹۴، ص. ۹۸). مؤلفان در منطق جدید میان دو سطح زبان تمایز قائل شده‌اند: «ارجاع زبان» که استفاده از زبان برای صحبت درباره موضوعات خارج

از زبان است؛ و «فرازبان» که کاربرد زبان برای صحبت درباره خود زبان است (همان، ص. ۹۸).

منظور از «ارجاع زبان» زمانی است که در ارجاع موضوعات خارج از زبان به کار می‌رود؛ «فرازبان» زبانی است که درباره موضوعات سخن می‌گوید. در چارچوب زبان‌شناسی، «فرازبان» زمانی مطرح است که از زبان برای صحبت درباره خود زبان استفاده شود. در این مورد می‌توان نمونه‌های ۱ و ۲ را با یکدیگر مقایسه کرد: ۱. رشت یکی از شهرهای ایران است. ۲. رشت از سه حرف «ر»، «ش» و «ت» تشکیل شده است. در نمونه ۱ «ارجاع» زبان موردنظر است و در نمونه ۲، «فرازبان». بر همین اساس، می‌توان به دو نقش «ارجاعی» و «فرازبانی» پی برد و این دو را از یکدیگر متمایز ساخت (یاکوبسن، ۱۳۹۴، ص. ۱۰۵). بنابراین، نقش فرازبانی در مورد موضوعات خود زبان، سخن می‌گوید. نقش ارجاعی و فرازبانی نزدیک به هم هستند، ولی می‌توان آن‌ها را از یکدیگر تمییز داد.

در نقش فرازبانی، چون جهت‌گیری پیام به سوی رمزگان است، لاجرم باید هم فرستنده و هم گیرنده از رمزگان آگاهی داشته باشند و ارتباط در صورتی برقرار می‌شود که طرفین ارتباط (المُرسل و المرسل‌إلیه)، نسبت به رمزگان مطلع باشند. در نتیجه، این نقش در محدوده کوچکی شکل می‌گیرد و دایره آن محدودتر است (الطبال، ۱۹۹۳، ص. ۷۰). باید به این نکته اذعان داشت که در این جا، رمز به معنی رمزگان است؛ نه به معنای سمبول، نماد و نمادگرایی. یعنی اگر جهت‌گیری پیام، به سمت کد یا رمزگان به کار رفته در آن باشد، و گوینده به تبیین و توضیح رمزگان پردازد، نقش و کارکرد زبان، فرازبانی است. برای مثال در آیه ۳۶ سوره توبه، خداوند به توضیح واژه «نسیء» می‌پردازد: «إِنَّمَا النَّسِيءُ زِيَادَةٌ فِي الْكُفْرِ يُضَلُّ بِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا يُحِلُّونَهُ عَامًا وَ يَحْرِمُونَهُ عَامًا لِيُؤْطِقُوا عِدَّةَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ فَيَحِلُّوا مَا حَرَّمَ اللَّهُ زَيْنَ لَهُمْ سُوءُ أَعْمَالِهِمْ وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ».

با توجه به تعریف‌هایی که از کارکرد فرازبانی زبان در کتاب‌های مختلف ارائه شده است، بدین معنا که جهت‌گیری پیام به سمت کد یا رمزگان مشترکی باشد که بین فرستنده و گیرنده پیام وجود دارد؛ و نیز مثال‌هایی که آوردیم، به نظر می‌رسد نمونه‌های این کتاب، ارتباط چندانی با موضوع نقش فرازبانی ندارند، زیرا رمزگان با نماد و سمبول تفاوت دارد. در نقش فرازبانی که جهت‌گیری پیام به سمت کد و رمزگان است، دو طرف پیام از

خوانشی انتقادی از کتاب نقش و نقش‌گرایی در بلاغت عربی ۱۶۳

آن آگاهی هرچند جزئی دارند، ولی در سمبولیسم ممکن است فقط گوینده از آن آگاهی داشته باشد، که در این صورت ارتباط برقرار نمی‌شود (اکبری و پورنامداریان، ۱۳۹۰)

۱۲. بخش نتیجه‌گیری کتاب

هر چند در کتاب‌های انتشاریافته، نوشتن نتیجه‌گیری معمول نیست، ولی از آنجایی که این کتاب برگرفته از پایان‌نامه است، نویسندگان، نتیجه‌گیری را هم آورده‌اند که می‌توان گفت بازتعریف و مقدمه‌ای دیگر است (صص. ۱۲۲- ۱۲۴). در ابتدای «نتیجه‌گیری» می‌خوانیم:

نگاه جدید به ادبیات به‌عنوان یک علم، مستلزم شناخت هر چه بیشتر فرمول‌ها و ابزارها و قانون‌های حاکم بر آن است. نتیجه نوشتار مذکور این خواهد بود که می‌توان نظریه یاکوبسن را که مبتنی بر نقش‌های شش‌گانه زبان است، در علم بلاغت عربی به کار گرفت.

لاله جهاد در سال ۱۳۸۷ در مقاله‌ای با عنوان «بررسی نظریه ارتباط کلامی یاکوبسن در علم معانی» — که می‌توانست الگویی برای ترسیم مباحث این کتاب قرار گیرد — چنین نتیجه‌گیری کرده است:

نگاه جدید به ادبیات به‌عنوان یک علم، مستلزم شناخت هر چه بیشتر فرمول‌ها و ابزارها و قوانین حاکم بر آن است. نتیجه این نوشتار این است که می‌توان علم معانی را نیز همچون شاخه‌های علوم ادبی، از نگاه علمی بررسی کرد. همچنین، می‌توان نظریه یاکوبسن را که مبتنی بر نقش‌های شش‌گانه زبان است، در معانی به کار گرفت (جهاد، ۱۳۸۷، ص. ۱۱).

قسمت نتیجه‌گیری در پایان‌نامه و مقاله، معمولاً از قول خود نویسنده و نتیجه‌ای است که از پژوهش گرفته است و اخذ نتیجه پژوهش دیگران، کار شایسته و علمی نیست. مؤلفان در ادامه، با آوردن جملات تیتروار و خبری، مجدداً نقش‌های زبانی را توضیح داده‌اند که نه تنها نتیجه مرتبط با موضوع کتاب و بلاغت مشاهده نمی‌شود، بلکه همان تکرار مکررات و تعریف‌های گزیده متن کتاب است.

۱۳. نتیجه

با توجه به یافته‌های این پژوهش، به‌طور کلی باید اذعان کرد نویسندگان به هدف ذکرشده در مقدمه نرسیده‌اند و علی‌رغم ادعای نویسندگان، در این پژوهش مسئله‌ای از مسائل بلاغت حل نشده است یا شاید اصلاً از ابتدا مسئله‌ای وجود نداشته است. بدفهمی نظریه، تعبیر متفاوت و دلخواه، استفاده از مطالب دیگران بدون ارجاع، ارجاع اشتباه، ارجاع به غیر، اشتباه در گزینش نمونه‌ها، اطناب و تفصیل در خیلی از نمونه‌ها، نبودن شاهدهی از بلاغت در بسیاری از مثال‌ها، ارتباط کم موضوع با بلاغت، بیان ضعیف و عدم انسجام متن، طوری که گویی که به‌صورت کلاژی از جاهای مختلف برداشته و پیش هم گذاشته شده است؛ استفاده کم و نابجا از علائم سجاوندی و خالی‌بودن از فهرست آیات، اعلام و اشعار؛ عدم انسجام کافی و مطالب پراکنده مخصوصاً در مقدمه کتاب، از جمله مواردی است که نگارندگان مقاله در بررسی و خوانش تنگاتنگ این کتاب با نظریه، به آن‌ها دست یافتند.

کاری که در این کتاب انجام شده است نه‌تنها مطلب جدیدی نیست، بلکه تنها به آوردن نمونه‌هایی از قرآن و کم‌تر شعر و نثر بسنده شده است. بر همین اساس می‌توان عنوان کتاب را «تجلیات نقش و نقش‌گرایی در بلاغت عربی براساس نظریه ارتباط کلامی یاکوبسن» نامید. در تحلیل این کتاب بیشتر بر نقد محتوایی اثر تمرکز کردیم و یافته‌های تحقیق، روند معتنابهی در مورد کاستی‌های آن از جمله موارد فوق را نشان می‌دهد.

۱۴. پیشنهادات

۱. نظریه ارتباط کلامی یاکوبسن از منابع مختلف، کتاب‌ها و مقالات مربوط به آن، مورد مطالعه مجدد قرار گیرد.
۲. بازنویسی کتاب با تغییرات اساسی در متن کتاب و نمونه‌ها و شاهد مثال‌ها انجام شود.
۳. اگر عنوان کتاب همین باقی بماند، ضروری است ضمن بازنگری در مقدمه و فصل‌های کتاب، نقش‌گرایی را فقط از دیدگاه علما و زبان‌شناسان عربی بررسی کنند.

خوانشی انتقادی از کتاب نقش و نقش‌گرایی در بلاغت عربی ۱۶۵

۴. در صورتی که بخواهند در عنوان کتاب، نام یاکوبسن نیز بیاید؛ یعنی «نقش و نقش‌گرایی در بلاغت عربی براساس نظریه (یا الگوی) یاکوبسن» باشد، بازنگری محتوا و تطبیق آن با نظریه یاکوبسن ضروری است.
۵. از آنجایی که کلام را یا در نحو یا در بلاغت می‌توان بررسی کرد، عنوان این کتاب با بازنگری و تکمیل مباحث می‌تواند به: «نقش و نقش‌گرایی در زبان عربی براساس نظریه ارتباط کلامی یاکوبسن» تغییر یابد تا بتوان مواردی از صرف و نحو که مشابهت با نظریه و یا تأثیر در برقراری ارتباط دارد، مطرح کرد.
۶. با توجه به اینکه بخش معانی که مطابقت کلام با مقتضای حال است، بیشتر به نظریه ارتباطی مربوط است، به مطالعه دقیق‌تر روی بلاغت عربی به‌ویژه معانی و نیز اسلوب التفات توجه شود.

پی‌نوشت

1. Article-review

منابع

قرآن کریم.

- آفاگل‌زاده، ف. (۱۳۸۶). تحلیل گفتمان انتقادی و ادبیات. *ادب‌پژوهی*، ۱، ۱۷-۲۷.
- آهی، م.، و فیضی، م. (۱۳۹۲). نقش‌های شش‌گانه زبان با تکیه بر یکی از قصاید سنایی. *پژوهش-نامه ادبیات تعلیمی*، ۲۰، ۱۸۷-۲۱۹.
- ابن عبدربه، ا. (۱۴۰۴ق). *العقد الفرید*. تحقیق عبدالمجید الترحینی. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- احمدی، ب. (۱۳۷۰). *ساختار و تأویل متن*. تهران: نشرمرکز.
- اسلامی، س.ح. (۱۳۹۱). *اخلاق و آیین نقد*. تهران: خانه کتاب.
- اکبری، ف.، و پورنامداریان، ت. (۱۳۹۰). رمز و تفاوت آن با نماد و نشانه. *رشد آموزش زبان و ادبیات فارسی*، ۳، ۵۴-۶۰.
- بن‌عیادالنبیتی، ع. (۲۰۱۰). *مقدمه القصیده عند شعراء المدرسة الإحياء*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه أم‌القری.
- پورنامداریان، ت. (۱۳۸۶). *رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی*. تهران: علمی و فرهنگی.

۱۶۶ نقدنامه زبان و ادبیات عربی، سال دوم، شماره سوم، بهار و تابستان ۱۴۰۰

پیش‌قدم، ر. و فیروزیان پوراصفهان‌ی، آ. (۱۳۹۶). تأملی جامعه‌شناختی پیرامون کاربردهای گفتمانی «نمی‌دانم» در زبان فارسی در پرتو الگوی هایمز. مطالعات فرهنگ - ارتباطات، ۳۷، ۳۵-۷.

تفتازانی، س. (۱۹۷۱). *المطول*. بیروت: دارالکتب العلمیة.

جرجانی، ع. (۱۹۹۱). *أسرار البلاغة*. تعلیق م. محمد شاکر. جده: دارالمدنی.

جهاد، ل. (۱۳۸۷). بررسی نظریه ارتباط کلامی یاکوبسن در علم معانی. کتاب ماه ادبیات، ۱۵، ۱۱-۵.

حق‌شناس، ع.م. (۱۳۸۵). یاکوبسن، وجودی حاضر و غایب. *نامه فرهنگستان*، ۸۴-۸۳، ۹۴.

درودی، ف. (۱۳۸۷). *عوامل مؤثر در نقد و بررسی کتاب*. کتاب، ۷۵، ۱۷۳-۱۸۴.

درودی، ف. (۱۳۹۱). *نقد منابع اطلاعاتی*. تهران: خانه کتاب.

سارتر، ژ.پ. (۱۳۴۸). *ادبیات چیست؟*. ترجمه ا. نجفی و م. رحیمی. تهران: زمان.

سعدی، م. (۱۳۴۸). *گلستان سعدی*. تهران: امیر.

سینما از نگاه اندیشه (۱۳۷۷). تهران: انتشارات حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.

الشافعی، ع. (۲۰۰۱). *تاریخ مدینه دمشق*. تحقیق م. العمروی. بیروت: دارالفکر.

شعبانلو، ع.ر. (۱۳۹۷). *نقد کتاب بلاغت ۱ (معانی)*. پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، ۲، ۱۷۳-۱۸۹.

شفیعی کدکنی، م.ر. (۱۳۷۵). *صور خیال در شعر فارسی*. تهران: آگاه.

صادقی، ل. (۱۳۸۹). نقش‌های سکوت ارتباطی در خوانش متون ادبیات داستانی. *پژوهش زبان و ادبیات فارسی*، ۱۹، ۱۸۷-۲۱۱.

صفوی، ک. (۱۳۹۰). *از زبان‌شناسی به ادبیات*. ج ۱ (نظم). تهران: سوره مهر.

صفوی، ک. (۱۳۹۳). *آشنایی با نشانه‌شناسی در ادبیات*. تهران: علمی.

طالبیان، ی. و حسینی سروری، ن. (۱۳۸۷). *مدایح سبک خراسانی و گرایش به قطب مجازی زبان با استناد به شعر منوچهری*. پژوهش‌های ادبی، ۲۱، ۱۱۳-۱۳۱.

طباطبایی، م.ج. (۱۳۹۲). *تفسیر المیزان*. ترجمه م.ب. موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

الطبال برکه، ف. (۱۹۹۳). *النظرية الألسنية عند رومان جاکبسون، دراسة و نصوص*. بیروت: مؤسسه الجامعیة للدراسات والنشر والتوزیع.

طغیانی، ا. و صادقیان، س. (۱۳۹۰). *هنجارگریزی در مجموعه شعر از این اوستا*. ادبیات پارسی معاصر، ۱، ۶۱-۷۹.

خوانشی انتقادی از کتاب نقش و نقش‌گرایی در بلاغت عربی ۱۶۷

فرکلاف، ن. (۱۳۷۹). *تحلیل انتقادی گفتمان*. ترجمه گروه مترجمان. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

فروردین، ع. (۱۳۸۷). *زیبایی‌شناسی هنری در داستان‌های قرآن*. قم: دفتر عقل.

قمی، ع. (۱۳۸۶). *مفاتیح‌الجنان*. تهران: مشعر.

قمی، م. (۱۳۶۷). *کنزالدقائق و بحر الغرائب*. محقق ح. درگاهی. تهران: چاپ و نشر ارشاد.

کوش، س. (۱۳۹۶). *تحلیل متون ادبی*. ترجمه ح. پاینده. تهران: مروارید.

محفوظ، ش. (۱۹۷۹). *هدایة المرشدین إلى طرق الوعظ والخطابة*. قاهره: دارالاعتصام.

محمد ابراهیم الخطیب، ه. (۲۰۰۹). *المعجم اللغوی للشاعر بلند حیدری، دراسة اسلوبیة*. اردن: الجامعة الهاشمية.

محمدجانی، ص. (۱۳۹۰). *میزان برخورداری کتب مطالعات اجتماعی و دانش‌آموزان دختر پایه سوم متوسطه نظری ناحیه ۴ شهر شیراز از مهارت‌های شهروندی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.

محمدرضایی، ع.ر. و غلامعلی‌زاده، م. (۱۳۹۷). *نقش و نقش‌گرایی در بلاغت عربی*. تهران: دانشگاه تهران.

مبیدی، ح. (۱۴۱۱ق). *دیوان امیرالمؤمنین(ع)*. قم: دار نداء الإسلام للنشر.

الهاشمی، ا. (۱۹۹۹). *جواهر البلاغة فی المعانی و البیان و البدیع*. بیروت: المكتبة العصرية.

یاکوبسن، ر. (۱۳۹۴). *زبان‌شناسی و شعرشناسی*. ترجمه گروه مترجمان. تهران: سوره مهر.

